

Indicators of ethical governance in higher education

Bahareh mahbanooei¹ 

Faculty of Governance, College of Management, University of Tehran. Email: b.mahbanooi@ut.ac.ir

Abstract:

This research is descriptive in purpose, seeking to describe governance and ethics in the university. Data collection was initially conducted through a library method using written and electronic sources, and then complemented with visual and auditory evidence. Following this stage, each of the dimensions and metrics of ethical governance in the university was aligned, through an in-depth study, with the novel concepts of metagovernance and the tools of soft and hard governance, and a logical classification related to these concepts was performed. The results of this research indicate that the indicators of ethical governance in academic environments primarily summarize into the following aspects: 1. Ethical awareness, decision-making, and participation; 2. Ethical infrastructure, ethical culture, and leadership style; 3. Ethics of faculty members; 4. Ethics of adjunct professors; 5. Technology ethics in the university; 6. Ethics of staff; and 7. Ethics of students. Among the limitations of this research are the challenges that university presidents and boards of trustees face in decision-making at ethical crossroads, which have not been precisely addressed in this model. Also, due to time constraints, the relationships between the components of this model and the dimensions of good governance have not been examined. Another limitation of this research is the lack of sufficient information on ethical anomalies and vices in the university environment, as the stigma associated with these issues makes precise information less accessible. It is suggested that researchers tailor each of these metrics to the Ministry of Science, universities, research institutes, and other specific academic centers, and subsequently subject them to measurement and evaluation.

Keywords: Indicator, ethical governance, Higher Education, University.

Article type: Research

Cite this article: Mahbanooei. B (2026) Indicators of ethical governance in higher education. Governance and Development Journal, 6 (2), 315-343. DOI: 10.22111/jipaa.2026.54855.1172.

Received: 19.02.2026

Revised: 07.09.2026

Accepted: 13.09.2026

Published: 22.06.2026



© The Author (s)

Publisher: University of Sistan and Baluchestan



دانشگاه تهران، تهران

حکمرانی و توسعه

پیاپی، ۳۴۶۱-۲۷۸۳

Homepage: www.jipaa.ir



انجمن علمی
مدیریت دولتی ایران

شاخص‌های حکمرانی اخلاقی آموزش عالی

بهاره ماه‌بانوئی^۱

۱. هیأت علمی دانشکده حکمرانی دانشگاه تهران رایانامه: b.mahbanooi@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۳۰ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۵/۰۶/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۰۱ کلیدواژه‌ها: شاخص، حکمرانی اخلاقی، آموزش عالی، دانشگاه	پژوهش حاضر از حیث هدف، توصیفی بوده در پی توصیف حکمرانی و اخلاق در دانشگاه است. جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا به روش کتابخانه‌ای از منابع مکتوب و الکترونیکی بوده و سپس با شواهد دیداری و شنیداری تکمیل شده است. بعد از این مرحله هر کدام از ابعاد و سنجه‌های حکمرانی اخلاقی در دانشگاه در بستر مطالعه عمیق با مفاهیم نوین فراحکمرانی و ابزارهای حکمرانی نرم و سخت مورد تطابق قرار گرفت و طبقه‌بندی منطقی مربوط به این مفاهیم انجام گرفت. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که شاخص‌های حکمرانی اخلاقی در محیط‌های علمی بیشتر بر جنبه‌های آگاهی، تصمیم‌گیری و مشارکت اخلاقی؛ ۲. زیرساخت‌های اخلاقی، فرهنگ اخلاقی و سبک رهبری؛ ۳. اخلاق اعضای هیأت علمی؛ ۴. اخلاق اساتید مدعو؛ ۵. اخلاق فناوری در دانشگاه؛ ۶. اخلاق کارکنان و ۷. اخلاق دانشجویان، خلاصه می‌شود. از جمله محدودیت‌های این پژوهش مشکلاتی است که رؤسا و هیأت امنای دانشگاه‌ها بر سر راه تصمیم‌گیری در دوراهی‌های اخلاقی قرار می‌گیرند که در این مدل به طور دقیق به آن پرداخته نشده است. همچنین به دلیل محدودیت زمانی، روابط اجزای این مدل با ابعاد حکمرانی خوب مورد بررسی قرار نگرفته است. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش نبود اطلاعات کافی از ناهنجاری‌ها و ردایل اخلاقی در محیط دانشگاهی است که به دلیل قبح این مسائل کمتر در مورد آن اطلاعات دقیقی در دسترس است. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران هر کدام از این سنجه‌ها را در وزارت علوم، دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و سایر مراکز علمی ویژه‌سازی کرده و در مرحله بعد مورد سنجش و ارزشیابی قرار دهند.

استناد: ماه‌بانوئی، بهاره (۱۴۰۵) "شاخص‌های حکمرانی اخلاقی آموزش عالی" حکمرانی و توسعه، ۶(۲)، ۳۴۳-۳۱۵.

DOI: 10.22111/JIPAA.2025.51823.1043

ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

© نویسندگان



مقدمه

در دوران معاصر، اخلاق جایگاه مهمی در تمامی مراحل زندگی بشر پیدا کرده است (ماه‌بانوئی، ۱۴۰۳). در جامعه ایران، اخلاق در بیان استاد مطهری به یک سلسله خصلت‌ها، سجایا و ملکات اکتسابی که بشر آنها را به عنوان اصول اخلاقی می‌پذیرد، بیان می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۴۷). در جامعه اسلامی حکومت عدل امام علی (ع) الگو و اسوه حکومت پاک سیرتان در گذر تاریخ شد. حکومتی که در آن حق تفسیر عدل است و عدل تفسیر و معنی حق و این همه مستلزم احیاء و توسعه مکارم اخلاقی در میان حکمرانان و مردم است؛ تا منزلت حکمرانی اخلاقی حاصل آید و جلوه‌های اخلاق در حکومت پدیدار شوند؛ حکومتی که بر مدار اخلاق توسعه می‌یابد و هر بار ابتلاء به خطا، آن را به اصلاح خود برمی‌انگیزد و به احیای مکارم اخلاقی در حکمرانی مشتاق‌تر و امیدوارتر می‌سازد (پورعزت، ۱۳۹۵). حکمرانی اخلاقی و تنظیم خط‌مشی‌ها، اداره حکومت و روابط بین دولتمردان و مردم بر اساس اخلاقیات دینی نیازمند الگویی است تا از همه ظرفیت‌های دولتی و مردمی استفاده شود و توان مهار چالش‌ها و تعامل نهادهای مختلف را در راستای نهادینه کردن مکارم اخلاقی در جامعه داشته باشد (کحیا، نائیج و مظاهری، ۱۴۰۲).

حکمرانی الگو و شیوه‌ای نوپدید در عرصه مدیریت است که در چند سال اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان قرار گرفته است. این الگو، گونه‌های فراوانی دارد که یکی از آن‌ها حکمرانی اخلاقی است. حکمرانی که بر «مدیریت و اداره» بر پایه ارزش‌ها پافشاری دارد، اقدامی گروهی است که از سوی حاکمان و مدیران در راستای پیاده‌سازی یک فرهنگ شایسته اخلاقی طرح‌ریزی گردید (حسین‌پور و مسعودی، ۱۴۰۲). اگر اخلاق را واشکافیم، عدالت، یکی از عناصر بنیادین آن است. عدالت، امری اخلاقی است؛ بنیادین و جهان‌شمول که همه امور اخلاقی بر گرد آن می‌گردند. ورود اخلاق به عرصه سیاسی- اجتماعی، پیامدهای گوناگونی به همراه دارد. عدالت رفتارها را اخلاق‌مند، متعادل و اعتدال‌جو می‌کند؛ آن‌سان که اگر فرمانروایی به استبداد روی آورد یا ستم و ناداوری را در رفتار خویش حاکم سازد، از دایره عدالت بیرون رفته است. بر پایه اندیشه سیاسی اسلام، عدالت در حکمرانی اخلاقی کارکردهایی چون احقاق حقوق شهروندان، دوری از استبداد، احتیاط در رفتار سیاسی و رفتار اعتدالی را داراست (سیدباقری، ۱۳۹۵).

در سازمان‌های امروزی، زمان زیادی صرف توسعه و انتشار رهنمودهایی شده است که هدف آن‌ها کنترل کردن رفتار اخلاقی^۱ و یا شناسایی رفتار اخلاقی مورد انتظار به کارکنان است (هلتزاسن^۲، ۲۰۱۵). عوامل گوناگون فردی، سازمانی و اجتماعی ممکن است به طور متفاوت بر روند ایجاد اخلاق تأثیر بگذارند (مک‌دوگال و همکاران، ۲۰۱۵).

^۱ Ethical conduct

^۲ Holtzhausen

مصادیق بی‌اخلاقی در دانشگاه نسل‌های گوناگون وجود داشته است. در دانشگاه نسل اول (آموزش محور) هدف آموزش و تربیت نیروی انسانی متخصص بود. آن‌ها تنها بر آموزش صرف تأکید داشتند (ویسما، ۲۰۰۹).

در اواخر قرن ۱۹ دانشگاه‌های پژوهش‌محور یا نسل دوم گسترش یافتند. نقش آن شناخت طبیعت بود و خروجی آن را حرفه‌ای‌ها و افراد علمی تشکیل می‌دادند و زبان رایج آن‌ها زبان ملی بود و مدیریت آن توسط دانشمندان و استادان نیمه‌وقت انجام می‌شد (محرر، ماه‌بانوئی و قاسمی، ۲۰۱۷).

دانشگاه نسل سوم یا فناوری محور، کارآفرینی زمانی در جامعه نمود می‌یابد که نقش اساسی در رشد، افزایش اشتغال و رقابت‌پذیری جهانی داشته و در خلق دانش و هم در توسعه کسب‌وکارها ایفا می‌کند (گرثرو و یوربرو، ۲۰۱۲). دانشگاه نسل سوم، به دنبال ایجاد ارزش‌افزوده است و خروجی آن حرفه‌ای‌ها، افراد علمی و کارآفرینان هستند، زبان رایج آن انگلیسی است و مدیریت حرفه‌ای صورت می‌گیرد (ویسما، ۲۰۰۹). دانشگاه نسل چهارم، کسب‌وکار محور و مبتنی بر تجاری‌سازی دانش و دانشگاه کارآفرین است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که بسیاری از دانشگاه‌های تراز اول جهان حرکت به سمت دانشگاه کسب‌وکار محور را جزو کلیدی‌ترین استراتژی‌های خود قرار دادند (پالسکی، ۲۰۱۱؛ آلن، ۲۰۱۰). دانشگاه نسل چهارم در عصر جهانی‌شدن، تأثیر بسزایی در حرکت به سمت اقتصاد نوآوری‌محور، دگرگون‌ساز کسب‌وکارهای کشور و در اطراف خود شرکت‌ها و کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، شبکه‌هایی از نوآوری و انتقال دانش و شهر چندرسانه‌ای را ایجاد می‌کنند (پالسکی، ۲۰۱۱).

در میان سازوکارهای حکمرانی مستند در ادبیات حکمرانی دانشگاه، نقش نظارتی دولت و هیئت امنای حکمرانی کننده دانشگاه، مورد توجه ویژه قرار دارد (تندبرگ، ۲۰۱۶). اولویت اول حکمرانان کشور برای توسعه خط‌مشی سرمایه انسانی مربوط به «تفکر انتقادی در تدریس» است (ماه‌بانوئی و پورعزت، ۱۴۰۱). بسیاری از خط‌مشی‌گذاران، هیئت حکمرانی کننده را ابزاری برای پاسخگو کردن دانشگاه‌ها می‌دانند. چنین ساختار حکمرانی کنترل بیشتری بر مأموریت‌ها، سیاست‌ها و بودجه‌های دانشگاه دارد و فرصتی برای شناسایی شاخص‌ها و ارزیابی عملکرد دانشگاه فراهم می‌کند. فرآیندهای حکمرانی در سطوح استانی و نهادی میزان استقلال تصمیم‌گیری را که دانشگاه‌ها از آن برخوردار هستند تعیین می‌کند (هیلتون، تیس و آرگرونین، ۲۰۲۳).

تصور می‌شود که رفتار غیراخلاقی اساتید و کارکنان با دانشجویان و متقابلاً با یکدیگر باعث از بین رفتن اعتماد و اطمینان به صداقت در دانشگاه می‌شود. به طور کلی بی‌اعتمادی بین افراد سازمان‌ها و مشتریان،

^۱ Wissema

^۲ Guerrero, & Urbano

^۳ Pawłowski

^۴ Allen

^۵ Tandberg

^۶ Heaton, Teece & Agronin

بر میزان تقاضا برای دریافت خدمات یا هر محصول دیگری اثر منفی می‌گذارد. برای مثال، در این راستا در ایالات متحده آمریکا شاخص اخلاق کسب و کار^۱ برای سنجش رسمی و مستمر احساسات مصرف کننده از رفتار اخلاقی ارائه‌دهندگان خدمات کشور ایجاد شده است (سلیکیس، ۲۰۱۸).

مزایای چگونگی ورود ملاحظات اخلاقی و شکل دادن به تحقق آنها در کارهای آکادمیک و دانشگاهی، ثابت شده است. در بسیاری از پژوهش‌ها، بحث اخلاق به عنوان یک فرآیند مطرح شده است (لچر و براندر، ۲۰۱۹).

همچنین اخلاق در آموزش اهمیت زیادی دارد، زیرا آموزش فرایندی اساسی در زندگی بشر است. بنابراین نمی‌توان از اهمیت موضوع اخلاق در مقوله آموزش غافل شد. در استفاده از فناوری برای آموزش، برخی مسائل اخلاقی مانند سرقت ادبی^۲ نمود بیشتری می‌یابد (گلکن، ۲۰۱۵).

مصادیق زیادی از رفتارهای غیراخلاقی در حوزه‌های آموزش، پژوهش، فناوری و کارآفرینی در سطح دانشگاه‌ها مشاهده شده است (چن و تانگ^۳، ۲۰۰۶؛ جولیان و بوناویا^۴، ۲۰۲۰؛ ها^۵، ۲۰۲۰). برای مثال، تقلب علمی^۶ در امتحانات (لافولتی^۷، ۱۹۹۲؛ ذوالفقاری^۸، ۲۰۱۶)، دزدی ادبی^۹ (لافولتی، ۱۹۹۲؛ تیندال و کورتیس^{۱۰}، ۲۰۲۰؛ ٹایماس، والورده و کراس^{۱۱}، ۲۰۲۰)، سوءرفتار در انتشارات علمی^{۱۲} (لافولتی، ۱۹۹۲)، تدریس بد (متکالفی و ماثارو^{۱۳}، ۱۹۹۵؛ رابرتز-هالمز^{۱۴}، ۲۰۱۵)، عدم رعایت حقوق مالکیت فکری (گیگر^{۱۵}، ۲۰۱۳؛ اینجو^{۱۶}، ۲۰۲۰)، تجاوز به حریم خصوصی (وودز و ویل^{۱۷}، ۲۰۲۰؛ بنتیک، وان اوئل، و وان دورست^{۱۸}، ۲۰۲۰)، نژادپرستی در دانشگاه (هنری و تاتور، ۲۰۰۹؛ مانسی^{۱۹}، ۲۰۲۰) و مانند آن‌ها برخی از مصادیق این رفتارهای غیر اخلاقی هستند.

مدل‌های حکمرانی قرن بیستم که در دانشگاه‌های دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرند، در سراسر جهان مورد تردید گسترده‌ای قرار دارند. دولت‌ها این سوال را مطرح می‌کنند که اگر هیئت امنای آنها به اندازه

^۱ business ethic index

^۲ plagiarism

^۳ Chen & Tang

^۴ Julián & Bonavia

^۵ Ha

^۶ Scientific fraud

^۷ LaFollette

^۸ Zolfaghari

^۹ plagiarism

^{۱۰} Tindall & Curtis

^{۱۱} Pàmies, Valverde, & Cross

^{۱۲} misconduct in scientific publishing

^{۱۳} Metcalfe & Matharu

^{۱۴} Roberts-Holmes

^{۱۵} Geiger

^{۱۶} Enjoo

^{۱۷} Woods & Veil

^{۱۸} Bentinck, van Oel, & van Dorst

^{۱۹} Manthey

کافی تعهدات خود را نسبت به ذینفعان انجام دهند و اگر مدل‌های دانشگاهی حکمرانی در آموزش پیچیده‌تر کار کنند؛ آیا دانشگاه‌های دولتی به طور کارآمد اداره می‌شوند یا خیر؟ با کاهش بودجه دولتی برای آموزش عالی، رقابت بین‌المللی فزاینده بین مؤسسات آموزش عالی در عصر اطلاعات و شواهد نگران‌کننده از حکمرانی ناکارآمد، منتقدان این سوال را مطرح می‌کنند که آیا ساختارهای حکمرانی مستقر قادر به مقابله با این چالش‌ها و دیگر چالش‌ها هستند یا خیر؟ برخی اصرار دارند که اعضای هیأت علمی به این دلیل که چشم‌انداز و رسالت دانشگاه را ارج می‌نهند برای حکمرانی و اداره دانشگاه مناسب‌ترند.

برخی دیگر خواستار آن هستند که هیئت‌های حکمران در مسائل مالی متخصص باشند و اساساً از بخش خصوصی و شرکت‌ها به خدمت گرفته شوند. اما برخی دیگر خواستار حکمرانی مبتنی بر اعتماد و اطمینان بین حکمرانان و زیردستان هستند. یک مدل حکمرانی یک اندازه برای همه وجود ندارد. هر مدل حکمرانی فقط به اندازه کسانی که آن را می‌سازند و کسانی که زندگی خود را در پرتو آن نظم می‌دهند؛ مؤثر است (تراکمن، ۲۰۰۸).

از اواسط دهه ۱۹۸۰، مدیریت دانشگاهی به سمت مدرن شدن حرکت کرد. یک نکته ثابت در دستور کار خطمشی‌گذاری اکثر کشورها، اغلب به دنبال اصلاحات و تلاش برای تغییر وضعیت مدیریت و راهبری دانشگاه‌ها است (لارسن، ماسن و استنساکر، ۲۰۰۹). در تجزیه و تحلیل سازمانی، سیستم آموزش عالی و به طور خاص دانشگاه شباهت‌های بسیار زیادی با سایر بخش‌های خدمات دولتی مانند مراقبت‌های بهداشتی دارد. آنها به خوبی با کهن الگوی کلی‌تر سازمان و ساختار حرفه‌ای که توسط مینتزبرگ (۱۹۷۹) ایجاد شده است، مطابقت دارند (فرلی و همکاران، ۲۰۰۹).

بخشی از این رویکرد گسترده‌تر ما را قادر می‌سازد تا جهان خرد دانشگاه‌ها و آموزش عالی را با تحولات درون دنیای کلان کشور پیوند داد. در جهان غرب، دولت از مفاهیم سنتی استقلال آموزش عالی فاصله گرفته و به دنبال شکل دادن فعالتر سیستم‌های آموزش عالی است. در دیدگاه اصلاح مدیریت دولتی تأکید بر دو رویکرد است: مدیریت دولتی جدید از یک سو و روایت حکمرانی شبکه از سوی دیگر (فرلی و همکاران، ۲۰۰۹). از یک طرف، خطمشی‌های عمومی آموزش عالی از نظر اصلاحات و تصمیم‌گیری اغلب تجویز می‌کند که نقش دولت در چه زمینه‌ای باید باشد. بر اساس آن انتظار می‌رود مداخله دولت محدود باشد: درک علم به عنوان یک حوزه خودمختار و جمهوری علم استدلال می‌شود (پالانی، ۱۹۶۲) که هدایت و حکمرانی در او را قبل از هر چیز به دست دانشگاهیان می‌گذارد. از سوی دیگر، به جای شناسایی بازیگران (جمعی) درگیر در بخش آموزش عالی، توصیف روابط سازمانی که آنها در دانشگاه با یکدیگر دارند و نحوه تنظیم شرایط حاکم در بین آنها مهم است. وقتی به خطمشی‌های عمومی آموزش عالی و مداخله

^۱ Trakman^۲ Larsen, Maassen & Stensaker^۳ Ferlie^۴ Polanyi

دولت نگاه می‌کنیم، اولین تصور به شدت به جامعه‌شناسی علوم مرتونی^۱ مربوط می‌شود که نقش دولت، در صورت وجود و تضمین استقلال آموزش عالی (یا به طور دقیق‌تر علم) چگونه تأثیری بر علم می‌گذارد (فرلی و همکاران، ۲۰۰۹).

هدف جامعه‌شناسی علم مرتون، تحلیل کارکردی وابستگی علم، به ساختار اجتماعی است. به عبارتی، ساخت اجتماعی به شیوه‌های مختلف، با نهاد علم متحد می‌شود. این اتحاد دو دنیای مستقل از یکدیگر ایجاد می‌کند، بدین سان که یا به پیشرفت علمی می‌انجامد و یا از توسعه آزاد و مستقل علم جلوگیری می‌کند. البته استقلال علم و در واقع، استقلال فکری و منطقی آن، در مرحله ارزیابی دعاوی علمی است و نه استقلال اجتماعی یا وجود آن در مراحل تکوینی. کاربرد مفاهیمی مثل ساختار فرهنگی، ساختار نهادی، اخلاقیات علم و روحیه علمی در نظر مرتون، به معنای تأکید بر ارزش‌ها، هنجارها و جنبه اخلاقی فعالیت علمی است (کل، ۲۰۲۲).

برداشت دوم نقش مهمی را در میانجی‌گری بین منافع جامعه و جهت‌دهی به توسعه آموزش عالی به دولت می‌دهد. از دولت انتظار می‌رود که فعالیت‌های علمی را هدایت کند، آنها را فرماندهی و کنترل کند. مفهوم سوم بر نقش بازار در حکمرانی آموزش عالی تأکید کرده است (دیل، ۱۹۹۶). در ادبیات حکمرانی آموزش عالی، گسست مفهوم «فرماندهی و کنترل» و حرکت از حکمرانی مداخله‌جویانه به «ارزیابی» تأکید می‌شود (فرلی و همکاران، ۲۰۰۹).

در بسیاری از کشورهای غربی، بحث‌های فزاینده‌ای در میان دانشگاه‌های دولتی در مورد چگونگی مقابله با بحران‌های حکمرانی وجود دارد. یک ترس این است که بحران حکمرانی باعث فرار کارکنان و دانشجویان شود. در دانشگاه‌های مناطق دیگر جهان یک ترس معکوس این است که اگر بحران حکمرانی شناخته نشود، دانشگاه از درون از هم می‌پاشد.

حکمرانی «خوب» معمولاً محصول تلاش پر زحمت برای رسیدن به ساختارها، پروتکل‌ها و فرآیندهای مناسب است. حکمرانی «خوب» به زمان‌بندی و قضاوت نیز مربوط می‌شود: از هیئت‌های حکمران می‌خواهد زمانی که یک مدل حکمرانی کار نمی‌کند، چرا و چگونه آن را اصلاح یا تعمیر کنند. در نهایت، مدل‌های حکمرانی توسط افراد برای هدایت و اداره مردم ایجاد می‌شوند (تراکمن، ۲۰۰۸).

استراتژی‌های مبارزه با فساد یکی دیگر از موارد مورد علاقه مشاوران مدیریتی شده است. فساد را می‌توان در اشکال مختلف یافت. مثل سوء استفاده از قدرت برای منفعت شخصی؛ رشوه، دزدی، اختلاس؛ تقلب و دریافت رشوه؛ اجاره خواری؛ فرار مالیاتی؛ اخاذی و درخواست «سواری رایگان»؛ تقاضای ارتباط جنسی؛ یا موارد دیگر؛ اعمال تبعیض، «مشتري گرایی»، حمایت و دوستی؛ عدم بیان حقیقت؛ تحریف واقعیت یا «پزشکی»، شواهد به روش‌های غیر صادقانه به منظور جلب لطف ثروتمندان و قدرت‌ها، حکمرانی خوب با

^۱Mertonian

^۲Cole

خطامشی‌گذاری قابل پیش‌بینی و روشن‌گر (یعنی فرآیندهای شفاف) تجسم می‌شود. بوروکراسی آغشته به اخلاق حرفه‌ای؛ یک بازوی اجرایی دولت که در قبال اقدامات خود پاسخگو باشد و یک جامعه مدنی قوی که در امور عمومی مشارکت دارد و همه تحت حکمرانی قانون رفتار می‌کنند (بانک جهانی، ۱۹۹۴).

ماسن^۱ (۲۰۰۳) اذعان دارد که «حکمرانی مربوط به چارچوب‌هایی است که دانشگاه‌ها و کالج‌ها در آن خود را مدیریت می‌کنند و در مورد فرآیندها و ساختارهایی است که برای دستیابی به نتایج موردنظر استفاده می‌شوند؛ به عبارت دیگر در مورد نحوه عملکرد مؤسسات آموزش عالی فعالیت می‌کند. این بدان معناست که حکمرانی یک مفهوم رابطه‌ای است که می‌تواند رهبری، مدیریت و اداره کردن را در برگیرد. اگرچه شناسایی سطوح مختلف حکمرانی معمول است، برای مثال حکمرانی در سطوح ملی، محلی، نهادی، زیر واحد یا رشته (لارسنت، ۲۰۰۹). تمرکز این مطالعه بر سطح نهادی است.

شورای تحقیقات اقتصادی و اجتماعی^۲ محققین را ملزم به رعایت اصول اخلاقی از جمله رضایت آگاهانه، محرمانه بودن، اجتناب از آسیب و اعلامیه‌های تضاد منافع می‌کند. کیفیت حکمرانی در هر نهادی یکی از عوامل حیاتی توسعه، کارایی و اثربخشی است. نظام آموزش عالی به طور عام و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به طور خاص متأثر از مکانیسم حکمرانی این مؤسسات دانشگاهی و بوروکراتیک هستند. تجارب انباشته آموزش عالی در کشورهای توسعه یافته، ضرورت مدیریت دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی توسط هیئت امنا را نشان می‌دهد. شکل، وظایف و اختیارات هیئت امنا و کیفیت اجرای آن می‌تواند در بلندمدت بر موفقیت و اثربخشی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی تأثیرگذار باشد (مهدی و آذرگش، ۲۰۲۳).

از این‌رو تحقق دانشگاه اخلاق‌مدار بدون توجه به نقش خطامشی‌گذاران علمی ممکن نیست. پژوهشگران حوزه حکمرانی در توصیه‌های خود در مورد مسائل کلیدی کشور درباره مواردی نظیر نوع تصمیم، زمان اجرا، چگونگی اجرای تصمیم‌گیری‌ها پیشنهاداتی ارائه می‌دهند. پرسش آنکه مشارکت محققان دانشگاهی با خطامشی‌گذاران برای تعیین فرایند خطامشی‌گذاری چگونه باشد و چه زمانی باید صورت گیرد (دی و همکاران، ۲۰۱۹).

به زعم ادلر و جیمز (۲۰۱۵) درک خطامشی‌گذاری علم و فناوری می‌تواند با استفاده از رویکرد تعیین دستورکار و تأکید بر منشأ خطامشی، به بهبود فرآیند تعیین دستورکار و تقویت نقش خطامشی‌گذاری بر عملکرد سازمان‌ها، بی‌انجامد که در بسیاری از موارد خطامشی واضحی برای فرایند اخلاقی شدن فعالیت‌های دانشگاه‌ها مشخص نشده است. اگر خطامشی علم و حکمرانی دانشگاه در حوزه‌های آموزش، پژوهش، فناوری و کارآفرینی طوری جهت گیرد که به سمت رعایت اصول اخلاقی سوق یابند، دانشگاه‌ها با معضلات اخلاقی کمتری مواجه خواهند شد و انتظار می‌رود که شاخص‌های حکمرانی اخلاقی در دانشگاه

^۱Maassen

^۲Larsenet

^۳The Economic and Social Research Council: ESRC

باتوجه به مؤلفه حکمرانی خوب نمود بیشتری پیدا کنند. بنابراین پژوهش پیش‌رو به دنبال شاخص‌های حکمرانی اخلاقی در دانشگاه با توجه مؤلفه‌های حکمرانی خوب و در راستای حکمرانی آموزشی عالی است.

ادبیات نظری پژوهش

در بسیاری از متون علمی، از اخلاق به مثابه مهم‌ترین و کارآمدترین شاخه فلسفه یاد شده است. اخلاق از واژه یونانی اتوس^۱ که به معنی آداب و شخصیت است، نشأت گرفته است. این اصطلاح به ارزش‌ها و فضایل انسانی برمی‌گردد (گلکن، ۲۰۱۵). کدهای اخلاقی ارزش‌هایی است که توسط افراد همان جامعه به اشتراک گذاشته شده است. به علاوه، مذاهب، ارزش‌های اخلاقی خاصی را به جامعه پیشنهاد می‌دهند (اسپینوسا پیک و بارانیکاوو^۲، ۲۰۱۴). انسان ظرفیت تفکر در مورد انتخاب‌هایش را دارد، پس مسئول تصمیمات و اقداماتش است. به علاوه، اخلاق مطالعه آنچه اشتباه و آنچه درست است، هست، خوب و بد، درست و غلط، فضیلت و رذیلت، عدالت و بی‌عدالتی برخی مفاهیم اخلاقی هستند (گلکن، ۲۰۱۵). به طور کلی، اخلاق بر نگرش‌ها و رفتارهایی نظیر ارزیابی، انتخاب، عملکرد و توجه به اقدامات مطلوب مرتبط با حقوق بشر و مسئولیت‌پذیری متمرکز است (گوبل، ریوتر، پibernik، و سیتجمن^۳، ۲۰۱۲).

مسائل اخلاقی مربوط به موقعیت‌هایی است که در آن تعهدات اخلاقی متضاد وجود داشته باشد و انجام یک کار صحیح می‌تواند از راه دیگری آسیب ایجاد کند. بنتام نیز در سال ۱۷۸۱ بیان کرد که رویکرد مبتنی بر نتیجه را می‌توان در فلسفه سودگرایی مشاهده کرد و استدلال می‌کند که شما باید نتایج خوب و بد هر تصمیم بالقوه را ارزیابی و از راهی استفاده کنید که بیشترین خوشی و شادی را برای بیشتر مردم فراهم می‌کند (فرگوسن، ترنلی و گیب^۴، ۲۰۱۶).

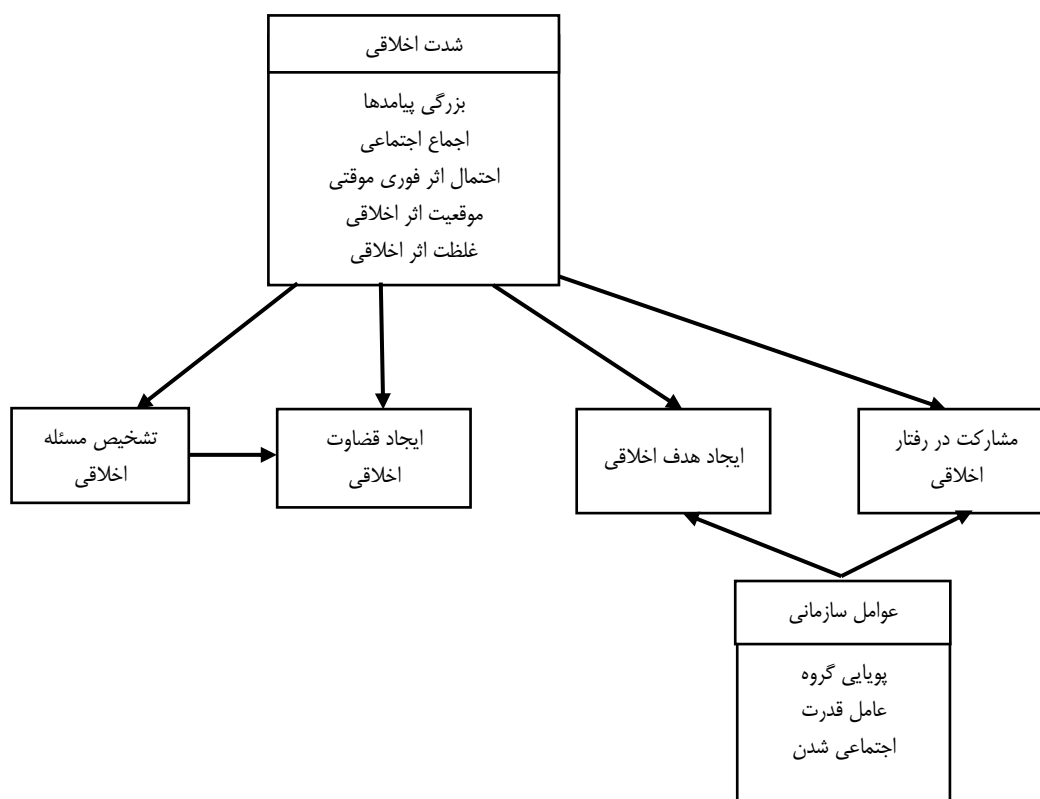
در مدل اقتضایی که برای تصمیم‌گیری اخلاقی در سازمان‌ها استفاده می‌شود؛ عناصر و فرایندهای شناخت اجتماعی بطور کامل درک نشده است. مدل‌های متنوع از فرایندها و روابط همپوشانی دارند و تفاوت‌های معنایی در میان آنها وجود دارد. این موارد در مدل زیر نشان داده شده است (جونز، ۱۹۹۱، ص ۳۷۹).

^۱ Ethos

^۲ Espinosa-Pike, M., & Barrainkua-Aroztegi

^۳ Goebel, Reuter, Pibernik, & Sichtmann

^۴ Stuart Ferguson, Clare Thornley, Forbes Gibb



شکل ۱. مدل اقتضایی اخلاقی (جونز، ۱۹۹۱)

آموزش اخلاق

به نظر می‌رسد کدهای اخلاقی نگرانی زیادی برای سازمان‌های دولتی و دانشگاه‌ها در سراسر جهان ایجاد کرده است. زمان زیادی برای ایجاد و نشر دستورالعمل‌هایی^۱ که هدف آن کنترل کردن رفتارهای اخلاقی شاغلان یا خاطر نشان کردن رفتار اخلاقی مورد انتظار به آن‌ها، اختصاص داده شده است (هلتزاسن، ۲۰۱۵).

آموزش مسئولیت‌های اخلاقی و حرفه‌ای، به معنی برنامه آموزشی است که اساتید و دانشجویان نخبه را بالقوه با چارچوب ارزش‌های حرفه‌ای، اخلاقی و نگرشی برای انجام قضاوت حرفه‌ای و رفتار اخلاقی که همراه با بهترین منافع عمومی و حرفه‌ای است؛ فراهم می‌کند. این امر شامل تعهد به پیروی از قوانین اخلاقی اداره‌های دولتی، از جمله دانشگاه‌ها، نهادها و سازمان‌های دولتی و فدرال است که استانداردهای قابل قبول را اعلام می‌کنند. فرآیند آموزش اخلاق باید با مفاهیم گسترده فلسفی آغاز شود و پس از آن

^۱ guidelines

کاربرد این مفاهیم در جهان کسب و کار و پزشکی اعمال گردد. بدون شک، تأکید بیشتر بر مفاهیم اخلاقی (مورال) و اخلاق^۱ و فرایندهای استدلال می‌تواند برای دانشجویان سودمند باشد (یونگ و آنیسته،^۲ ۲۰۰۹). معضلات اخلاقی متعددی وجود دارد که اساتید روزانه با آن مواجه می‌شوند. «گرت بیستا» در سال ۲۰۰۶ بیان می‌کند که ما باید در فرآیند یادگیری، به‌سوی تمرکز آموزش به مرحله‌ی «فراتر از یادگیری» برویم؛ «رابرت‌نش» نیز در سال ۲۰۰۲ در پژوهش خود توضیح می‌دهد که چگونه می‌توان «سه زبان اخلاقی» یعنی قواعد و اصول، شخصیت و عقاید اساسی را در مسائل اخلاقی و شیوه‌های حرفه‌ای به کار برد؛ کن استریک^۳ (۲۰۰۶) اخلاق برای رهبری مؤسسه آموزشی را تا حدودی مبتنی بر اخلاق اجتماعی جان رالز^۴ می‌داند (شاپیرا لیشچینسکی،^۵ ۲۰۱۹).

پیروی از اصول اولیه اخلاق حرفه‌ای در بین اساتید ضروری است؛ زیرا اولاً، این بدان معناست که استاد مجبور است کار خود را حتی با حقوق کم انجام دهد و همیشه به نتایج بالای دانشگاهی تمرکز کند. ثانیاً، استاد باید پژوهش علمی انجام دهد تا دانشمند خوبی شود و این فعالیت را با تدریس مطابق با الگوی دانشگاه «وحدت آموزش و تحقیقات» ترکیب کند. ثالثاً، استاد باید در جهت بهبود فعالیت‌های حرفه‌ای خود، برای یادگیری در طول زندگی تلاش کند و به مهارت‌های فناوری اطلاعات نیز دست یابد (ماریا و همکاران،^۶ ۲۰۲۰).

تصمیم‌گیری اخلاقی

مدل‌های نظری تصمیم‌گیری اخلاقی فردی در سازمان‌ها کمتر وجود دارد. رست^۷ (۱۹۸۶) مدلی چهار جزئی برای رفتار و تصمیم‌گیری اخلاقی فردی ارائه داده است که عامل اخلاقی باید بتواند الف) تشخیص موضوع اخلاقی ب) ایجاد قضاوت اخلاقی ج) ایجاد نیت اخلاقی د) کار کردن روی نگرانی‌های اخلاقی را انجام دهد. هر جزء فرایند از نظر مفهومی متمایز است و اینکه موفقیت در مرحله اول بر موفقیت مرحله دیگر تأثیر ندارد. برای مثال شخصی با دلیل اخلاقی کافی ضرورتی نخواهد داشت بتواند عمل اخلاقی انجام دهد. مسائل اخلاقی از محیط پدید می‌آید. فرایند تصمیم‌گیری اخلاقی با محیطی شروع می‌شود که نوعاً شامل عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سازمانی است. توسعه شناختی اخلاقی عنصر بحرانی در مرحله قضاوت است (جونز،^۸ ۱۹۹۱، ص ۳۷۰).

^۱ethics

^۲Young & Annisette

^۳Ken Strike

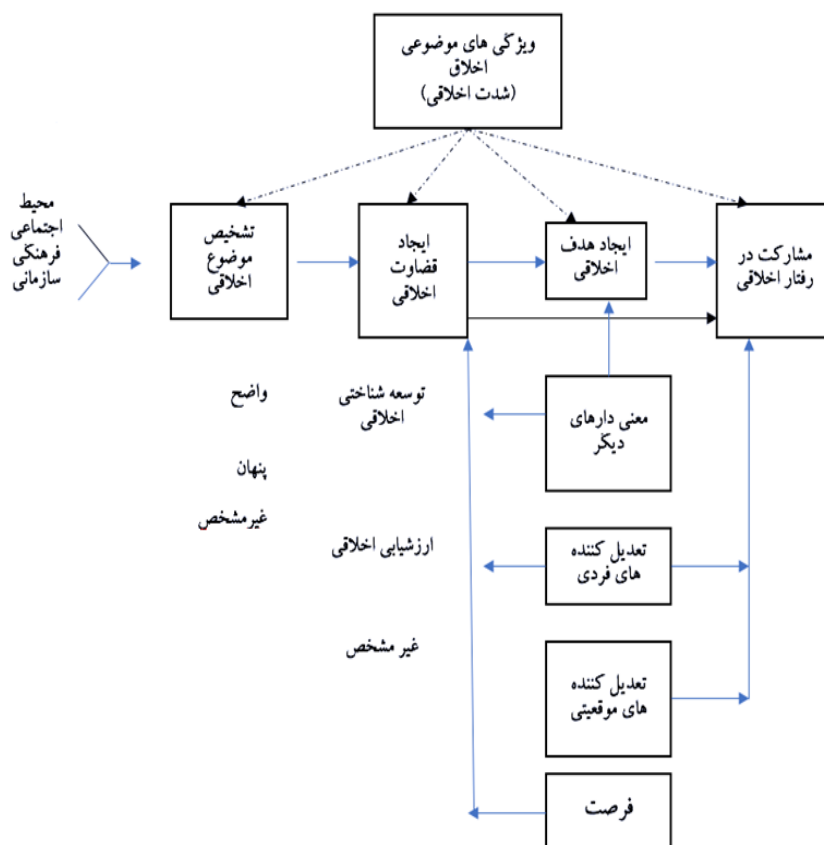
^۴John Rawls

^۵Shapira-Lishchinsky

^۶Marina Moiseenko, Vinera Mukhametzhanova, Olga Savvina & Alexandra Kosorukova

^۷Rest

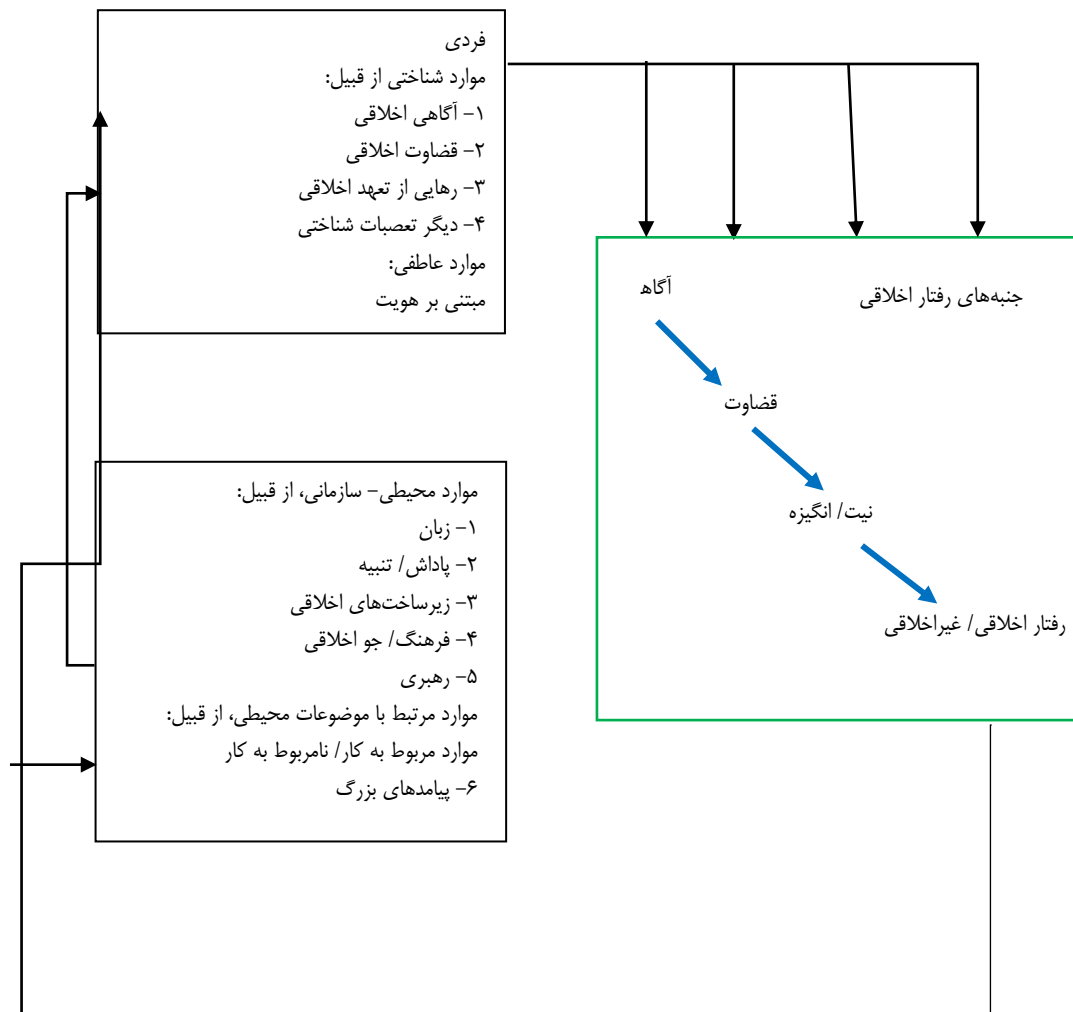
^۸Jones



شکل ۲. ترکیب مدل‌های اخلاقی تصمیم‌گیری (جونز، ۱۹۹۱، ص ۳۷۰).

مدل مفهومی تصمیم‌گیری اخلاقی و رفتاری در سطح فردی، توسط جمیز رست^۱ برای تحلیل چهار عنصر صورت گرفت که شامل آگاهی اخلاقی، قضاوت اخلاقی، انگیزه اخلاقی و رفتار اخلاقی است. در رویکرد کلی، تأثیرات فردی و محیطی را روی فرایندها نشان داد که در شکل (۳) نمایان است. در موارد شناختی در سطح فردی و هم موارد محیطی و سازمانی در جنبه‌های رفتار اخلاقی تأثیرگذار است.

^۱James Rest's

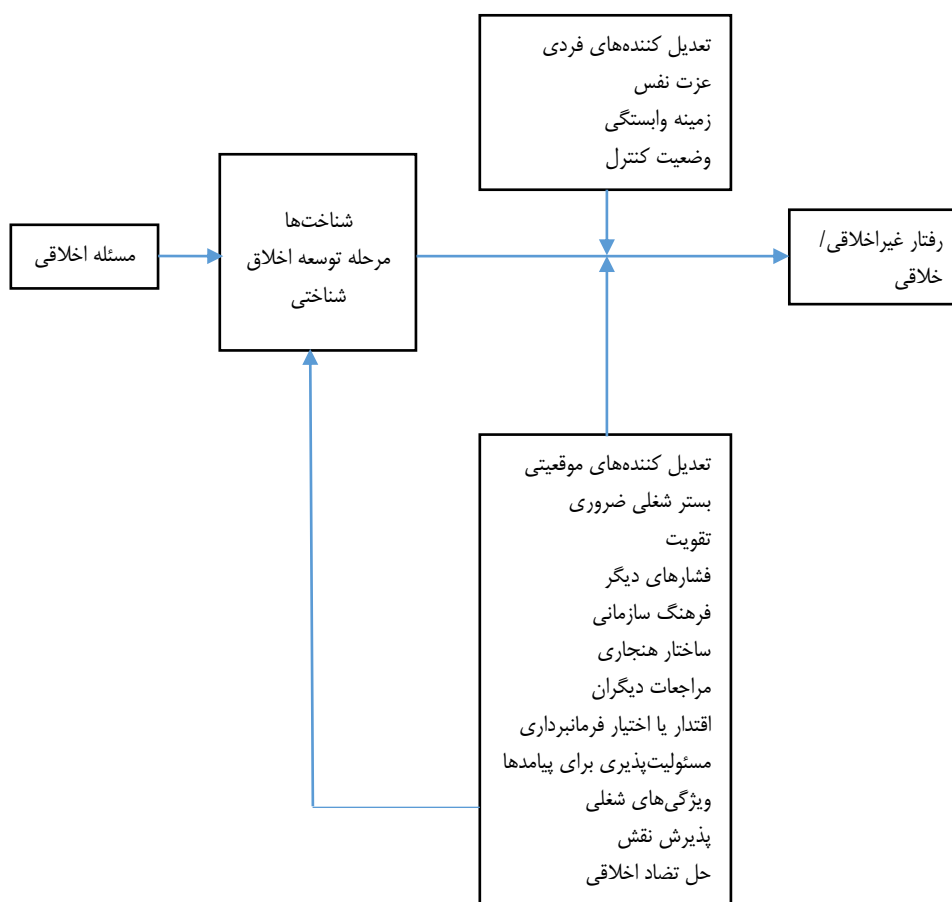


شکل ۳. دسته‌بندی تأثیرات فردی، سازمانی و محیطی روی نتایج رفتار اخلاقی (تروینو و همکاران، ۲۰۰۶)

با توجه به اینکه حکمرانی به معنی هدایت و مدیریت و خطامشی‌گذاری است و خطامشی‌گذاری از نگاه دای به معنی تصمیم‌گیری است. بهتر است برای بررسی حکمرانی اخلاقی، تصمیم‌گیری اخلاقی و اجزای آن به‌خصوص فرهنگ، رهبری و زیرساخت اخلاقی را در نظر گرفت. برای بحث در مورد حکمرانی اخلاقی دانشگاه، بهتر است دانشگاه را ابتدا به‌مثابه یک سازمان در نظر گرفت.

اخلاق سازمانی

از نظر ورایت مایکل^۱ «اخلاق سازمانی» آن چیزی است که سازمان‌ها وقتی با موقعیت‌ها و تصمیم‌های خاصی روبه‌رو می‌شوند، چگونه رفتار می‌کنند. از طرفی سایر سازمان‌ها به‌منزله نهادهایی که نفوذ بیرونی دارند، چگونه باید به ارزش‌ها و موقعیت‌های اخلاقی سازمان توجه کنند. این توجه شامل دامنه‌ای از ارزش‌های فردی و ایده‌هایی برای شکل‌دهی به قواعد حرفه‌ای در صنعت، استانداردهای صنایع، نظارت محیط‌زیست و افکار عمومی باشد. (کارلسون و پریو،^۲ ۱۹۹۵). همچنین اخلاق سازمانی بر اهمیت نحوه رفتار سازمان‌ها در مواجهه با موقعیت‌ها و تصمیمات خاص تمرکز دارد (Shojaei, 2023).



شکل ۴. مدل تعاملی تصمیم‌گیری اخلاقی در سازمان (تروینو، ۱۹۸۶)

^۱Wright-Mitchell

^۲Carlson & Perrewe

سازمان می‌تواند عملکرد اخلاقی و یا غیراخلاقی داشته باشد. پس همان‌گونه که از اشخاص سخن می‌رود، از سازمان اخلاقی نیز می‌توان سخن گفت (قراملکی، ۱۳۹۴: ۶۲).

دانشگاه متشکل از اساتید، دانشجویان و سایر کارکنان است. معضلات اخلاقی بی‌شماری وجود دارد که روزانه اساتید با آن روبرو می‌شوند. مایکل، جی. گانزنهاوسر^۱ پیش‌زمینه‌ای در مورد نظریه اخلاق ارائه داد تا توضیح دهد که تا چه اندازه اخلاق همان‌طور که ما به‌طور سنتی آن را در آموزش و پرورش درک کرده‌ایم کمک‌کننده است - اما نه کاملاً - چگونه مربیان به چالش‌های یک مربی حرفه‌ای پاسخ می‌دهند.

گرت بیستا (۲۰۰۶)، استدلال می‌کند باید در فرایند فکر کردن «فراتر از یادگیری» قرار بگیریم. فیلیسیتی هاینس (۱۹۹۸) دامنه‌ای وسیع از تئوری‌های اخلاقی را مطرح کرد. هنگامی که دانشجویان اخلاق را تعریف می‌کنند، آن‌ها این اصطلاح را به انتظارات خاصی که جامعه برای متخصصان در زمینه‌های حرفه‌ای مانند کدهای اخلاقی دارند، ربط می‌دهند. وقتی دانشجویان «مُرالز»^۲ را تعریف می‌کنند، این واژه (یا مُرالیته)^۳ معمولاً بر دیدگاه استانداردهای رفتاری اعمال شده توسط برخی نهادهای قدرتمند اشاره دارد. این دانشجویان اصطلاح دوم را قدیمی و سنتی می‌دانند (گلوچمنوا، ۲۰۱۵). در اخلاق‌شناسان نتیجه‌گرا، معلم می‌تواند پیامدهای مهم اقدامات شخص را طراحی کند و توجیهی برای آموزش عمومی است و همه دانشجویان بهترین توانایی‌هایشان را به کار گیرد (فرگوسن، ترنلی و گیب، ۲۰۱۶).

از طرف دیگر، در مورد رفتار اخلاقی با زنان در دانشگاه نیز تحقیقات مختلفی انجام شده است. روتر^۴ (۲۰۱۸) بیان می‌کند که نتولیرالیسم هم آموزش عالی و هم جامعه را دگرگون کرده است. استادان باید خودکفا باشند و دانشگاه را پیش از هر چیز دیگری در اولویت قرار دهند، درحالی‌که شهروندان باید از خود مراقبت کنند و دولت ملزم به مراقبت نیست. این مسئله باعث ایجاد تنش برای زنان دانشگاهی می‌شود، که احتمالاً در بین زنان حرفه‌ای بسیار تحصیل کرده که دارای فرزند هستند - تنشی بین ضرورت اساسی که همه زنان (مادران فرزند در آغوش گرفته) دارند و ضرورتی دانشگاهی است که دانشکده توجه بی-طرفانه خود را به دانشگاه داشته باشد؛ نسبت به اینکه از تنش این مادران بکاهد- وجود دارد.

اخلاق اعضای هیأت علمی دانشگاه

مطالعات بسیاری پنج بُعد اصلی اخلاق را مطرح می‌کند که یکی از راه‌های دسته‌بندی ابعاد اخلاقی فعالیت‌های اساتید است:

۱. توجه و مراقبت برای یادگیری دانشجویان و رفاه آن‌ها، ۲. حرفه‌ای‌گرایی، ۳. روابط درون

دانشکده‌ای بین اساتید،

۴. احترام به قانون و مقررات دانشگاه و حقوق دانشجویان، ۵. احترام به خانواده و جامعه دانشگاهی.

^۱ Gunzenhauser

^۲ Morals

^۳ Morality

^۴ Stuart Ferguson, Clare Thornley, Forbes Gibb

^۵ Reuter

اساتید اخلاقی از طریق توسعه توانایی دانشجویان خود و ترویج کنجکاوی و خلاقیت در میان دانشجویان به آن‌ها توجه می‌کنند. آنها یک محیط امن، با رفتار عادلانه و منصفانه برای دانشجو ایجاد می‌کنند. بنابراین اطمینان از یک محیط یادگیری با کیفیت بالا که باعث تعالی و پیشرفت تحصیلی دانشجویان و موفقیت بالای سیستم‌ها، کاهش فاصله‌ها و آموزش با کیفیت شود، حاصل می‌شود (شاپیرا لیشچینکی، ۲۰۱۹).

ضرورت آموزش اخلاق به اساتید تازه‌کار

متناسب با تقاضای مؤسسات آموزشی، به خصوص دانشگاه‌ها، مبتنی بر آماده‌سازی دانش‌آموختگان برای محل کارشان، آموزش مهارت‌های نرم مدرسان تازه‌کار اهمیت دارد (نانگ و چان،^۱ ۲۰۱۵). در دانشگاه‌ها، آموزش و یادگیری مهارت حرفه‌ای، مورال و اخلاقی به اساتید تازه‌کار یا آموزش ندیده، می‌تواند برای عمل به استانداردهای بالای اخلاقی در اقدام حرفه‌ای مرتبط به کار رود. آن‌ها همچنین می‌توانند اثرات اقتصادی، محیطی و عوامل فرهنگی روی عملکرد حرفه‌ای مربوطه را درک کنند (شکیر، ۲۰۰۹).

در محیط کاری، مهارت‌های سخت مربوط به رویه‌های فنی یا وظایف عملی که نوعاً مشاهده، سنجش و اندازه‌گیری آن‌ها آسان است. آموزش چنین مهارت‌هایی برای مدرسان تازه‌کار نسبتاً آسان است و آنها دانش لازم را در این زمینه در دانشگاه کسب کرده‌اند. در مقابل، مهارت‌های نرم که به طور معمول به عنوان «مهارت‌های فردی» شناخته می‌شوند، به راحتی آموزش داده نمی‌شوند، هرچند در زندگی کاری، اخلاق، مهارت اخلاقی (مورال) و حرفه‌ای بسیار مورد نیاز هستند. عدم درک مهارت‌های نرم در بین مدرسان کارآموز و فارغ‌التحصیلان دانشگاه در جامعه وجود دارد. لذا درک بهتر مهارت‌های نرم توسط مربیان و محققان لازم است. توسعه «مهارت‌های نرم»، مهارت اخلاقی و حرفه‌ای در بین مدرسان کارآموز کاری دشوار است؛ زیرا شاخص‌های قابل اندازه‌گیری کمتری را شامل می‌شود و از هر فردی به فرد دیگر با توجه به شخصیت و پیشینه او تغییر می‌کند. با توجه به این عقیده که مدرسان تازه‌کار غالباً بیش از حد به این باورند که دارای صلاحیت هستند و هیچ مهارتی لازم ندارند (شکیر، ۲۰۰۹).

بنابراین، آگاهی از اهمیت اخلاق، مهارت‌های اخلاقی و حرفه‌ای باید برای کارآموزان مدرس درباره نیازها و انتظارات در کار ایجاد شود. صفات اخلاقی باید بخشی از خصوصیتی باشد که مدرسان تازه‌کار هنگام ترک دانشگاه، باید دارا باشند (شکیر، ۲۰۰۹).

هاردی (۲۰۱۰) مهم‌ترین مسائل اخلاقی برای دانشگاه‌ها را این‌طور خلاصه کرده است: رفتار منصفانه، آزادی دانشگاهی، مسئولیت‌پذیری برای محتوای تخصصی^۲، سرقت ادبی، روابط استاد و دانشجو، تبعیض، تضاد منافع، عملکرد ضعیف، استفاده از منابع سازمانی و همچنین فضایل کلاسیک مانند حقیقت، صداقت و احترام.

^۱ Ngang & Chan

^۲ Responsibility for content expertise

این مسائل توسط مونگیو پیپیدی^۱ در سال ۲۰۱۱ نیز ارائه شده است. شیوه‌های مدیریت مالی، جعل اسناد^۲، تزویر^۳، پرداخت حق الزحمه برای ساعت‌هایی که کار نمی‌کنند و یا رشوه گرفتن. برای مبارزه با آن‌ها، باید کمیته‌های مناسب، نظارت‌های منظم، قوانین و رویه‌ها برای مبارزه با سرقت ادبی و ارتباط بهتر و تجزیه و تحلیل عمیق از مشکلات گزارش شده، وجود داشته باشد (پیو و اوگارکا^۴، ۲۰۱۵: ۲۰۲). برخی از مهمترین مصادیق موضوعات اخلاقی در دانشگاه‌ها بر اساس پژوهش شکیر (۲۰۰۹) به شرح زیر هستند:

- ✓ استادان نقش مهمی در توسعه اخلاق در میان دانشجویان دارند.
- ✓ در رابطه با مسائل اخلاقی که دانشجویان مشاهده می‌کنند؛ آن‌ها اعتمادشان را به استادان نشان دهند.
- ✓ ارزشیابی دانشجویان در ارتباط با ترجیحات استادان، تا چه حد ذهنی است.
- ✓ زبان اساتید در ارتباط با دانشجویان سرد و برتر (با توجه به فاصله قدرت) است.
- ✓ زبان دبیر هیئت در رابطه با دانشجویان سرد یا غیر معمول است.
- ✓ رشوه پدیده‌ای نادر در میان اساتید است.
- ✓ دریافت هدیه از دانشجویان مکرر است (هدیه در ازای انجام کاری خلاف عرف و قانون).
- ✓ اساتید بر دانشجویانشان برای خرید کتاب‌های خود فشار می‌آورند.
- ✓ ارزشیابی اساتید از دانشجویان عینی است و وابسته به معیاری مثل جنسیت، سن، جنبه‌های جسمانی و غیره نیست.
- ✓ رؤسای مؤسسه (دانشگاه) نقش مهمی در حفظ جو اخلاقی سفت و سخت ایفا می‌کنند.
- ✓ نئوپرسیسم^۵ یا قومیت‌گرایی یک مسئله در سیستم آموزش عالی است.
- ✓ شفافیت در سبک مدیریت منجر به جو اخلاقی در مؤسسات (دانشگاه‌ها) شده است (شکیر ، ۲۰۰۹).

اخلاق فناوری در دانشگاه‌ها

مور (۱۹۸۵) اخلاق فناوری را مربوط به «خلاء سیاسی» و «خراب‌کاری مفهومی» با استفاده از اطلاعات اخلاقی و اجتماعی فناوری تعریف می‌کند. طبق گفته‌های فلوریدی و سندرز (۲۰۰۲)، اخلاق رایانه‌ای ناشی از نگرانی‌های عملی ناشی از تأثیر فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر جامعه معاصر است. اکبولوت^۶ و

^۱Mungiu-Pippidi

^۲forgery

^۳falsification

^۴Puiu & Ogarcă

^۵Secretary

^۶Nepotism

^۷Akbulut

همکاران (۲۰۰۸) انواع گوناگونی از رفتارهای ناهنجاری دانشگاهی را شامل تقلب، جعل، سرقت ادبی، تخلف و انجام کارهایی بدون مجوز یا تأییدیه رسمی می‌دانند.

عواملی که منجر به ناهنجاری اینترنتی یا عدم صداقت الکترونیکی توسط نویسندگان می‌شود، شامل خصوصیات فردی، سیاست‌های نهادی و فشار همسالان است.

در تحقیقی زابو و آندروود^۱ (۲۰۰۴) دریافتند که تعداد قابل توجهی از دانشجویان با استفاده از اینترنت در فعالیت‌های نادرست دانشگاهی شرکت می‌کنند. همچنین استفاده اخلاقی از اینترنت، هوش مصنوعی برای انجام تحقیقات به شدت مورد بحث قرار گرفته است. این مسائل در مورد محافظت از حریم خصوصی، محافظت از آسیب و اعتبارسنجی داده‌های جمع‌آوری شده از افراد با استفاده از اینترنت بسیار موکد است. در این راستا بعضاً عدم صداقت دانشگاهی در بین دانشجویان محقق و همچنین دانشگاهیان با گرفتن داده‌های نامعتبر رخ می‌دهد.

فریستون و میتچل^۲ (۲۰۰۴) بیست و چهار رفتار اینترنتی منحرفانه را شناسایی کردند که در پنج عامل شامل فعالیت‌های غیرقانونی، فعالیت‌های مشکوک، فعالیت‌های هک کردن، تجارت اینترنتی انسان‌ها و بارگیری تقسیم می‌شوند (کریم، زمزوری و نور، ۲۰۰۹، ص ۸۷). رفتار اخلاقی معمولاً بوسیله واژه «مسئولیت‌پذیری» بیان می‌شود. اگر اثرات اعمال ما بتواند عمده‌تأثیرات منفی بر دیگران را پیش‌بینی کند، پس در این حالت ممکن است یک رفتار غیرمسئولیت‌پذیر یا غیراخلاقی را ملاحظه کنیم (بوما^۳، ۲۰۱۰، ص ۴۲۹). آموزش اخلاق به چهار مرحله تقسیم می‌شود: اول) آموزش اخلاق در خانواده؛ دوم) آموزش اخلاق در مدرسه؛ سوم) آموزش اخلاق در دانشگاه؛ چهارم) آموزش اخلاق در کسب و کار

در دانشگاه، اخلاق حرفه‌ای باید وجود داشته باشد تا دانشجویان یاد بگیرند که نقطه نظرات اخلاقی متفاوت را ارزیابی^۴ کنند (گلکن، ۲۰۱۵). سرمایه انسانی، بی‌بدیل‌ترین سرمایه هر جامعه‌ای است و در صورت استفاده صحیح از آن، می‌توان از مزیت‌های رقابتی در عرصه جهانی برخوردار شد. در این میان دانشگاه‌ها، سهم مهمی در رشد و شکوفایی سرمایه‌های انسانی دارند (روایی، ۱۳۹۶، ص ۵۷). در این راستا توسعه اخلاق در دانشگاه‌ها در هدایت کشور به سمت چشم‌انداز مذکور یاری‌رسان خواهد بود. از اینرو امکان تحقق حکمرانی خوب، صورت خواهد گرفت. پس در ابتدا شناخت انواع حکمرانی ضروری است:

^۱ Szabo, Underwood

^۲ Freestone, Mitchell

^۳ Bouma

^۴ Evaluate

جدول ۱: ترکیب انواع حکمرانی، سطح اجرا، تمرکز اصلی، نهاد پیشرو

نوع حکمرانی	سطح اجرا	تمرکز اصلی	نهاد پیشرو
خوب	ملی/محلی	شفافیت	بانک جهانی
شرکتی	سازمانی	حقوق سهامداران	OECD
الکترونیک	دیجیتال	خدمات عمومی	ITU
جهانی	بین‌المللی	همکاری	UN
شبکه‌ای	چندسطحی	مشارکت	-
هوشمند	شهری	فناوری	EU
اخلاق محور	سازمانی	ارزش‌ها	UNESCO

کدهای حکمرانی خوب به موضوعی محوری در خطمشی و در دانشگاه به جای یک مد که بعد از مدتی ناپدید می‌شود ایده‌های جدیدی است که همچنان در سراسر جهان گسترش می‌یابد (آگولرا و کیورو کازورا^۱، ۲۰۰۹). به همین خاطر از میان انواع حکمرانی، حکمرانی خوب بیشترین قرابت منطقی را با مفهوم حکمرانی اخلاقی که در سطح سازمانی و متمرکز با ارزش هاست، ایفا می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از حیث هدف، توصیفی-تحلیلی (Creswell, 2014) و در پی توصیف حکمرانی و اخلاق در دانشگاه است. جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا به روش کتابخانه‌ای از منابع مکتوب و الکترونیکی بوده و سپس با شواهد دیداری و شنیداری تکمیل شده است (Flick, 2018). همچنین با مرور ادبیات، مطالعه پیشینه و مشاهده به بررسی جنبه‌های گوناگون موضوع شاخص‌های حکمرانی اخلاقی دانشگاه پرداخته شد. بعد از این مرحله هر کدام از ابعاد و سنجه‌های حکمرانی اخلاقی در دانشگاه در بستر مطالعه عمیق با مفاهیم نوین فراحکمرانی و ابزارهای حکمرانی نرم و سخت مورد تطابق قرار گرفت و طبقه‌بندی منطقی مربوط به این مفاهیم انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

قدمت مفهوم حکمرانی به اندازه طول خلقت انسان است. با این حال، در چنین محیطی اصطلاح حکمرانی خوب در زمینه احیای نهادهای دموکراتیک، به منظور تضمین دموکراسی مشارکتی، توسعه انسانی و دستیابی به اهداف جهانی شدن اهمیت پیدا کرده است (علی، ۲۰۱۵).

^۱ Aguilera & Cuervo-Cazurra

حکمرانی خوب، همکاری فعال و سازنده بین دولت و شهروندان نهفته است. تنها زمانی که شهروندان از قدرت سیاسی کافی برای شرکت در انتخابات، خطامشی گذاری، اداره و نظارت برخوردار باشند، می‌توانند دولت را تشویق کنند و با آن دست به دست هم دهند تا اقتدار و نظم عمومی را ایجاد کنند، نهفته است (کپینگ، ۲۰۱۸).

مفاهیم اخلاقی در آموزش عالی بیشتر در این جنبه‌ها شامل تصمیم‌گیری اخلاقی، مشارکت در رفتار اخلاقی، ایجاد قضاوت اخلاقی، توسعه‌شناختی اخلاقی و ارزشیابی اخلاقی، آگاهی اخلاقی و اخلاق در دانشگاه، اخلاق در اداره دولت خلاصه می‌شود. با توجه به مفهوم حکمرانی که به نوعی اداره کردن محسوب می‌شود. در واقع فراحکمرانی در سطح عالی، یکی از فعالیت‌های کلیدی دولت است و می‌تواند یک روند متضاد تغییر از دولت به حکمرانی تلقی شود؛ هدف فراحکومتی بهبود کارایی بازارها، اثربخشی فرماندهی، پاسخگویی شبکه‌ها، سطح اعتماد و همبستگی در جوامع است (انسل و تروفینگ، ۲۰۲۲).

در حالی که ابزارهای خطامشی سخت معمولاً از نظر محتوا خاص‌تر دیده می‌شوند و قوانین رفتاری واضح و یکسانی ارائه می‌دهند، ابزارهای حکمرانی نرم معمولاً بازتر و مبهم‌تر هستند و فضایی را برای تفسیر و تطبیق توسط بازیگران مجری فراهم می‌کنند. مفهوم فراحکمرانی با تأکید بر «خودتنظیمی تنظیم‌شده» و استفاده از ابزارهای حکمرانی نرم مبتنی بر هنجارها، ارزش‌ها و استانداردها، به مفهوم «فراتنظیمی» شباهت دارد (پارکر، ۲۰۰۹).

دولت‌ها به کمک دو نوع ابزار حکمرانی می‌کنند. ابزارهای «سخت» شامل قانون و سایر اشکال مقررات الزام‌آور است، در حالی که ابزارهای «نرم» به اشکالی از هدایت اشاره دارند که در آن رعایت اختیاری است. مسلماً، تمایز بین ابزارهای حکمرانی نرم و سخت، لنز تحلیلی قدرتمندی را ارائه می‌دهد که از طریق آن می‌توان درک عمیق‌تری از ماهیت و شرایط حکمرانی به دست آورد. در دهه‌های اخیر اغلب این بحث مطرح شده است که ابزارهای خطامشی نرم اهمیت بیشتری پیدا کرده‌اند. تلاش‌های دولت‌ها برای جایگزینی شیوه‌های سنتی حکمرانی مانند قانون‌گذاری و کنترل سلسله مراتبی با هدایت مبتنی بر داوطلبانه، مانند توصیه‌ها یا دستورالعمل‌ها (بلمویست، ۲۰۲۲).

در این بخش چارچوبی مفهومی برای سنجش حکمرانی اخلاقی در دانشگاه‌ها ارائه شد که از طریق تلفیق نظام‌مند سه حوزه دانش توسعه یافته است. ابتدا) مبانی نظری، مدل حاضر اصول کلیدی را از منابع زیر ترکیب کرد:

نظریه حکمرانی نهادی (نورث، ۱۹۹۰)؛ چارچوب‌های رهبری اخلاقی (براون و ترونو، ۲۰۰۶)؛ مدل‌های صداقت علمی (برترام گالانت، ۲۰۰۸)؛ شاخص‌های حکمرانی خوب بانک جهانی (کافمن و همکاران، ۲۰۱۰).

^۱ Ansell & Torfing

^۲ Parker

^۳ Blomqvist

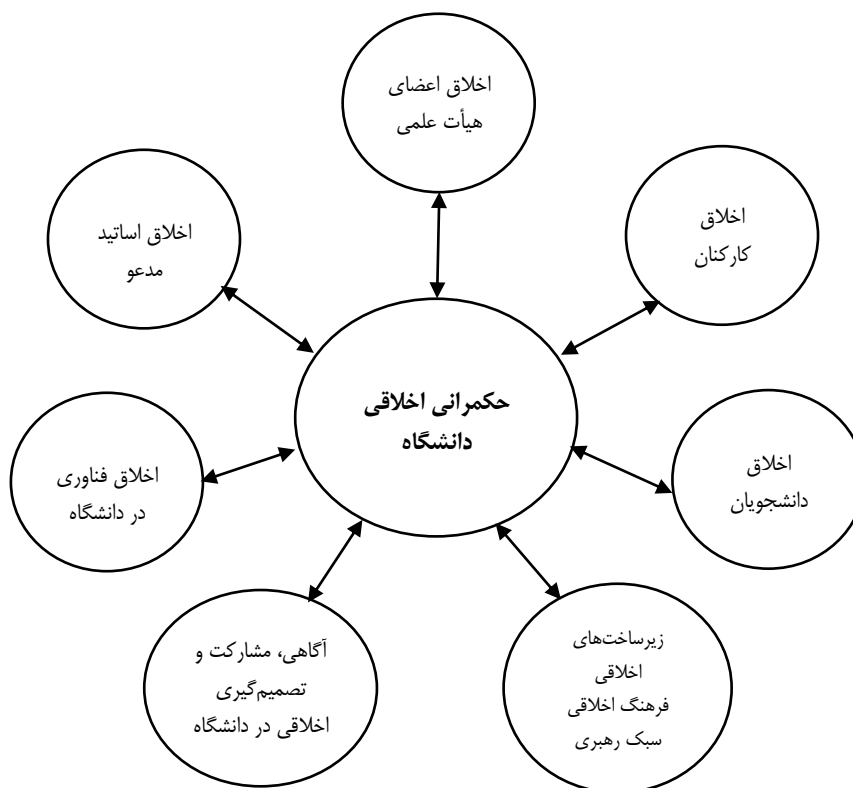
منطق ساختاری، این چارچوب دارای ویژگی‌های زیر است: همسویی عمودی: از سطح خُرد (اخلاق فردی) تا سطح کلان (سیستم‌های نهادی)؛ یکپارچگی افقی: ابعاد فراگیر (مانند اخلاق فناوری در تمام گروه‌های ذینفع)؛ وابستگی پویا: حلقه‌های بازخورد بین فرهنگ و سبک رهبری و اخلاق دانشجویان.

این مدل به دانش حکمرانی از طریق اول، پیوند اصول انتزاعی حکمرانی با زمینه‌های عملیاتی دانشگاهی؛ دوم، معرفی فراحکمرانی به‌منزله لایه میانجی بین اخلاق نهادی و فردی و سوم، کمّی‌سازی مفاهیم کیفی سنتی اخلاقی از طریق شاخص‌های قابل اندازه‌گیری، کمک می‌کند.

از طرفی شش نقطه همسویی این مدل با ابعاد حکمرانی خوب بانک جهانی، یک ماتریس تشخیصی برای موارد زیر ایجاد می‌کند:

ارزیابی مقایسه‌ای نهادی (کارت‌های امتیازی حکمرانی اخلاقی در دانشگاه)، تحلیل شکاف (تفاوت بین خط‌مشی و اداره)، اولویت‌بندی مداخلات (الگوریتم‌های تخصیص منابع).

این رویکرد مبتنی بر شواهد، حکمرانی اخلاقی را از آرمان هنجاری به اقدامی نهادی قابل اندازه‌گیری تبدیل می‌کند و ارزش تشخیصی و تجویزی برای اصلاح آموزش عالی ارائه می‌دهد.



شکل ۵. مدل حکمرانی اخلاقی دانشگاه

مدل حکمرانی اخلاق دانشگاه با در نظر گرفتن ابعاد حکمرانی خوب و ابزارهای حکمرانی شامل ابزارهای سخت و ابزارهای نرم که اولی الزام‌آور هستند و دومی به شکل داوطلبانه، شکل می‌گیرد. در مدل بعدی هر کدام از ابزارهای نرم و سخت حکمرانی در ارتباط با اخلاق هنجاری که مدنظر این پژوهش، اخلاق در سطح فردی است و اخلاق در سطح واحد و سازمان در طبقه دیگر جای می‌گیرد.

جدول ۲. ارتباط ابزارهای حکمرانی با ابعاد حکمرانی خوب و حکمرانی اخلاقی دانشگاه

ابزارهای سخت حکمرانی	ابزارهای نرم حکمرانی	فرا حکمرانی
حکمرانی اخلاقی دانشگاه		ابعاد حکمرانی خوب
اخلاق فردی	اخلاق سازمانی	
---	زیرساخت‌های اخلاقی فرهنگ اخلاقی سبک رهبری	اثربخشی دولت کنترل فساد
اخلاق فناوری در دانشگاه	---	کیفیت مقررات حاکمیت قانون
اخلاق اعضای هیأت علمی اخلاق اساتید مدعو اخلاق کارکنان اخلاق دانشجویان	آگاهی اخلاقی مشارکت اخلاقی تصمیم‌گیری در دانشگاه	حق اظهارنظر و پاسخگویی ثبات سیاسی

نتیجه‌گیری

به طور کلی حکمرانی خوب یک چارچوب نهادی ضروری است که به رفتار اخلاقی کمک کند. با این حال، فرهنگ سازمانی نیز بی‌اهمیت نیست که هم پارامترها را تعیین می‌کند و هم مسئولان را برای خدمت به مصالح دولتی ترغیب کند. اگرچه، برای بیان متفاوت آن، «راهبردهای ضد فساد» و سایر تحریم‌های برون‌زا ممکن است به نگر داشتن کارمندان دولتی در مسیر مستقیم و حیطه خاص کمک کند، اما در نهایت ارزش‌هایی که به درستی درونی شده و به طور مداوم در محل کار استفاده می‌شوند؛ شخصیت افراد را شکل می‌دهند. وابستگی متقابل ساختارهای نهادی و فرهنگ در مرکز استدلال ارسطو قرار دارد که فاصله بین خط‌مشی‌هایی که خوب حکمرانی و اداره می‌شوند و آنهایی که فاسد هستند، است (آرگریدز؛ ۲۰۰۶).

از آنجایی که حکمرانی اخلاقی مفهوم نوینی در ادبیات مدیریت است و به نوعی هدایت‌گیری در اداره امور تأکید دارد، از طرفی دانشگاه نهادی است که مبتنی بر علم، آموزش و کارافرینی و با ماهیت تعلیم و تربیت بنا شده است. برای اینکه سازمانی اخلاقی باشد؛ لازم است ابزارهای حکمرانی نرم و سخت را مورد توجه

^۱Argyriades

قرار داد و شاخص‌های حکمرانی اخلاقی با این ابزارها هماهنگ باشد. به‌علاوه قبل از اینکه حکمرانی اخلاقی در سطح سازمان، در اینجا دانشگاه پیاده شود باید در بستر فراحکمرانی هم این مهم را بررسی کرد و حکمرانی چگونه حکمرانی کردن را به منزله سطح کلان، مدنظر قرار داد. از اینرو در این مقاله سعی شد با معرفی تمامی جنبه‌های حکمرانی اخلاقی و دانشگاه و با در نظر گرفتن ارتباط آن با حکمرانی خوب، مدلی جامع برای سنجش حکمرانی اخلاقی دانشگاه ارائه شود. در این مدل هفت شاخص اصلی شناسایی شد: ۱. آگاهی، تصمیم‌گیری و مشارکت اخلاقی؛ ۲. زیرساخت‌های اخلاقی، فرهنگ اخلاقی و سبک رهبری؛ ۳. اخلاق اعضای هیأت علمی؛ ۴. اخلاق اساتید مدعو؛ ۵. اخلاق فناوری در دانشگاه؛ ۶. اخلاق کارکنان و ۷. اخلاق دانشجویان. شاخص‌های حکمرانی اخلاقی دانشگاه باید در ارتباط و همراستا با شش بُعد حکمرانی خوب قرار گیرد. این مفهوم با حکمرانی اخلاقی^۱ یعنی چارچوبی که ارزش‌های اخلاقی را در هسته تصمیم‌گیری قرار می‌دهد و شامل اصول کلیدی مسئولیت اجتماعی، صداقت سازمانی و شفافیت است (Bovens, 2020)، شباهت دارد و مواردی مثل پاسخگویی و فرهنگ اخلاقی که به معنی صداقت و شفافیت است، مشابه است. از محدودیت‌های این پژوهش مشکلاتی است که روسا و هیئت امنای دانشگاه‌ها بر سر راه تصمیم‌گیری در دوراهی‌های اخلاقی قرار می‌گیرند. البته روابط اجزای این مدل با ابعاد حکمرانی خوب مورد بررسی قرار نگرفته است. همچنین داده‌های کافی از سوءرفتارها و معضلات اخلاقی در دانشگاه‌ها ارائه و ثبت نشده است و از این منظر امکان پرداختن به تمامی ابعاد شاید به‌طور دقیق امکان‌پذیر نبوده است. اگر چه مدل شاخص‌های حکمرانی اخلاقی دانشگاه جامع است اما، اعتبارسنجی طولی پایداری شاخص‌ها، مطالعات سازگاری بین‌فرهنگی و یکپارچه‌سازی با چالش‌های نوظهور حکمرانی هوش مصنوعی باید مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به مصاحبه عمیق با هر یک از ذینفعان و ذی‌ربطان دانشگاهی به روش مثلثی‌سازی پرداخته شود تا اطلاعات بیشتری در مورد رفتارها، ساختار و فرهنگی که تأثیرگذار بر حکمرانی اخلاقی دانشگاه است، صورت گیرد. همین‌طور از روش دیمتیل خاکستری یا مدل معادلات ساختاری برای سنجش روابط بین مدل استفاده شود. پیشنهاد اجرایی دیگر با توجه به شاخص‌های حکمرانی اخلاقی می‌توان هر زیرشاخص را بدست آورد و با توجه به این شاخص‌ها به سنجش وضعیت اخلاق دانشگاهی چه به لحاظ کمی و کیفی انجام پذیرد.

^۱Ethical Governance

منابع فارسی:

- ۱- پورعزت، علی اصغر. (۱۳۹۵). اسوه‌پردازی از حکومت حق‌مدار برای آیندگان. نشریه پژوهش‌های نهج البلاغه. دوره ۱۵. ش ۱. ص ۹.
- ۲- حسین‌پور تنکابنی، رسول؛ مسعودی، جهانگیر. (۱۴۰۲). مطالعه پایه‌ها و شناسایی نشانه‌های «حکمرانی اخلاقی» در علم مدنی و رویکرد اجتماعی_ فرهنگی فارابی. فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران. دوره ۱۶. ش ۴. صص ۵۱-۷۷.
- ۳- حسینی، مهلا السادات. رضائیان، علی. پورعزت، علی اصغر. (۱۴۰۲). شناسایی و تدوین شاخص‌های ارزیابی عملکرد اخلاق‌مدار کارکنان سازمان کمیته امداد امام خمینی (رحمه الله) در پرتو سیره امام علی (ع) با تمرکز بر رعایت عدالت در مواجهه با جامعه هدف. دو فصلنامه مطالعات دین، معنویت و مدیریت. دوره ۱۰. ش ۱۸. صص ۱۲۵-۱۴۲.
- ۴- روایی، سلطنت. (۱۳۹۶). دانشگاه، اخلاق‌مداری و کارآفرینی. دو ماهنامه مطالعات کاربردی در علوم مدیریت و توسعه. سال دوم، شماره ۴ (پیاپی: شش).
- ۵- سیدباقری، سیدکاظم. (۱۳۹۵). کارکردهای عدالت در حکمرانی اخلاقی از منظر اندیشه سیاسی اسلام. نشریه علوم سیاسی. دوره ۱۹. ش ۴. ص ۱۵۱-۱۷۰.
- ۶- فرامرز قراملکی، الف. (۱۳۹۴). اخلاق سازمانی (مجموعه اخلاق حرفه‌ای ۲). چاپ دوم. تهران: سازمان مدیریت صنعتی.
- ۷- قلی مطلق، م.، آقازاده، ه.، و اسفیدانی، م. ر. (۱۳۹۴). تدوین کدهای اخلاق حرفه‌ای فروشندگان سازمان. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۳۶، ۶۲۱-۶۴۴.
- ۸- کحیا، سعید. نائیج، علیرضا. مظاهری، علیرضا. (۱۴۰۲). الگوی حکمرانی اخلاقی از منظر اسلام در اندیشه آیت الله خامنه‌ای. مجله پژوهش‌های سیاست اسلامی. ش ۲۳. صص ۲۱۱ تا ۲۳۷.
- <https://www.magiran.com/p2692861>
- ۹- ماه‌بانوئی، بهاره. (۱۴۰۳). توسعه خط‌مشی علم در پرتو دانشگاه اخلاقی: راهی بسوی حکمرانی مطلوب. اولین همایش ملی حکمرانی در نظام تعلیم و تربیت.
- ۱۰- ماه‌بانوئی بهاره، پورعزت علی‌اصغر (۱۴۰۱). راهنمای خط‌مشی‌گذاری آموزشی سرمایه انسانی: یک تحلیل اهمیت-عملکرد برای ایران. مطالعات برنامه ریزی آموزشی - دانشگاه مازندران با همکاری انجمن آموزش عالی ایران، ۱۱(۲۲)، ۱-۲۲.
- ۱۱- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۰). فلسفه اخلاق، انتشارا صدرا.

References:

1. Aguilera, R. V., & Cuervo-Cazurra, A. (2009). Codes of good governance. *Corporate governance: an international review*, 17(3), 376-387.
2. Ali, M. (2015). Governance and Good Governance: A Conceptual Perspective. *Dialogue (Pakistan)*, 10(1).
3. Allen, M. (2010). Corporate universities 2010: Globalization and greater sophistication. *The Journal of International Management Studies*, 5(1), 48-53.
4. Ansell, C., & Torfing, J. (Eds.). (2022). *Handbook on theories of governance*. Edward Elgar Publishing.
5. Argyriades, D. (2006). Good governance, professionalism, ethics and responsibility. *International Review of Administrative Sciences*, 72(2), 155-170.
6. Argyriades, D. (2006). Good governance, professionalism, ethics and responsibility. *International Review of Administrative Sciences*, 72(2), 155-170.
7. Blomqvist, P. (2022). Soft and hard governing tools. In *Handbook on theories of governance* (pp. 285-296). Edward Elgar Publishing.
8. Bovens, M. (2020). *The Ethics of Governance*. Cambridge: Cambridge University Press.
DOI: [10.1017/9781108575797]
9. Chen, Y. J., & Tang, T. L. P. (2006). Attitude toward and propensity to engage in unethical behavior: Measurement invariance across major among university students. *Journal of Business Ethics*, 69(1), 77-93.
10. Cole, J. (2024). CHAPTER 9 ROBERT K. MERTON, 1910–2003 (2004). In *Smoother Pebbles: Essays in the Sociology of Science* (pp. 229-233). New York Chichester, West Sussex: Columbia University Press. <https://doi.org/10.7312/cole21260-011>
11. Creswell, J. W. (2014). *Research Design* (Ch. 5)
12. Day, E., Wadsworth, S. M., Bogenschneider, K., & Thomas-Miller, J. (2019). When University Researchers Connect with Policy: A Framework for Whether, When, and How to Engage. *Journal of Family Theory & Review*, 11(1), 165-180.
13. Enjoo, A. (2020). Assessing intellectual property, Publication ethics, and related legal provisions in the islamic republic of Iran. *Interdisciplinary Journal of Virtual Learning in Medical Sciences*, 2(2), 36-44.
14. Ferguson, S., Thornley, C., & Gibb, F. (2016). Beyond codes of ethics: how library and information professionals navigate ethical dilemmas in a complex and dynamic information environment. *International Journal of Information Management*, 36(4), 543-556.

15. Ferlie, E., Musselin, C., & Andresani, G. (2009). The governance of higher education systems: A public management perspective. *University governance: Western European comparative perspectives*, 1-19.
16. Ferlie, E., Musselin, C., & Andresani, G. (2009). The governance of higher education systems: A public management perspective. *University governance: Western European comparative perspectives*, 1-19.
17. Flick, U. (2018). Triangulation in Qualitative Research.
18. Gluchmanova, M. (2015). The importance of ethics in the teaching profession. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 176, 509-513.
19. Guerrero, M., & Urbano, D. (2012). The development of an entrepreneurial university. *The journal of technology transfer*, 37(1), 43-74.
20. Heaton, S., Teece, D., & Agronin, E. (2023). Dynamic capabilities and governance: An empirical investigation of financial performance of the higher education sector. *Strategic Management Journal*, 44(2), 520-548. <https://doi.org/10.1002/smj.3444>
21. Heaton, S., Teece, D., & Agronin, E. (2023). Dynamic capabilities and governance: An empirical investigation of financial performance of the higher education sector. *Strategic Management Journal*, 44(2), 520-548. <https://doi.org/10.1002/smj.3444>
22. Jones, T. M. (1991). Ethical decision making by individuals in organizations: An issue-contingent model. *Academy of management review*, 16(2), 366-395.
23. Julián, M., & Bonavia, T. (2020). Understanding unethical behaviors at the university level: a multiple regression analysis. *Ethics & Behavior*, 1-13. Retrieved from <https://doi.org/10.1080/10508422.2020.1723101>
24. Karim, N. S. A., Zamzuri, N. H. A., & Nor, Y. M. (2009). Exploring the relationship between Internet ethics in university students and the big five model of personality. *Computers & Education*, 53(1), 86-93.
25. LaFollette, M. C. (1992). *Stealing into print: fraud, plagiarism, and misconduct in scientific publishing*. Univ of California Press.
26. Larsen, I. M., Maassen, P., & Stensaker, B. (2009). Four basic dilemmas in university governance reform. *Higher Education Management and Policy*, 21(3), 1-18.
27. Larsen, I. M., Maassen, P., & Stensaker, B. (2009). Four basic dilemmas in university governance reform. *Higher Education Management and Policy*, 21(3), 1-18.
28. Larsen, Ingvild M., Peter Maassen and Bjørn Stensaker (2009), "Four basic dilemmas in university governance reform", *Higher Education Management and Policy*, Vol. 21/3. DOI: <https://doi.org/10.1787/hemp-21-5ksdxgpdnds1>.

29. Larsen, Ingvild M., Peter Maassen and Bjørn Stensaker (2009), "Four basic dilemmas in university governance reform", *Higher Education Management and Policy*, Vol. 21/3. DOI: <https://doi.org/10.1787/hemp-21-5ksdxgpdnds1>
30. López-Rodríguez, M. D., Castro, A. J., Castro, H., Jorreto, S., & Cabello, J. (2015). Science–policy interface for addressing environmental problems in arid Spain. *Environmental science & policy*, 50, 1-14.
31. Mahdi, R., & Azargashb, E. (2023). Board of trustee governance in Iranian higher education system. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 23(3), 139-64.
32. Mahdi, R., & Azargashb, E. (2023). Board of trustee governance in Iranian higher education system. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 23(3), 139-64.
33. Manthey, M. (2020). A History of Systemic Racism at the University of Minnesota School of Nursing. *Creative Nursing*, 26(3), 215-218.
34. Marques, T., Ferreira, M. P., & Gomes, J. F. (2019). Understanding cheating behaviours: proactive and reactive intentions. *Ethics and Education*, 14(4), 415-429.
35. Meijer, A. (2021). *Smart City Governance*. Amsterdam: Elsevier. DOI: [10.1016/C2018-0-02248-4]
36. Mohaghar, A., Mahbanooei, B., Ghasemi, R. (2017), Knowledge City, Entrepreneurship, Green and Smart University: A Practical Sample for ethnic oriented University (A Case Study: Knowledge City Plan in Tehran University and Tehran University of Medical Sciences), National Conference of ethnic oriented University, University of Tehran, Tehran, Iran (In Persian).
37. Ngang, T. K., & Chan, T. C. (2015). The importance of ethics, moral and professional skills of novice teachers. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 205, 8-12.
38. OECD. (2015). *G20/OECD Principles of Corporate Governance*. Paris : OECD Publishing. DOI : [10.1787/9789264236882-en]
39. Pàmies, M. D. M., Valverde, M., & Cross, C. (2020). Organising research on university student plagiarism: a process approach. *Assessment & Evaluation in Higher Education*, 45(3), 401-418.
40. Parker, C. and V. Nielsen (2009), 'The challenge of empirical research on business compliance in regulatory capitalism', *Annual Review of Law and Social Sciences*, 5, 45–70.
41. Pawłowski, K. (2009). The 'fourth generation university' as a creator of the local and regional development. *Higher Education in Europe*, 34(1), 51-64.

42. Puiu, S., & Ogarca, R. F. (2015). Ethics Management in Higher Education System of Romania. *Procedia economics and finance*, 23, 599-603.
43. Reuter, S. Z. (2018). Intersecting ethics of responsibility: Childless academic women and their ambivalence in reproductive decision-making. In *Women's Studies International Forum* (Vol. 70, pp. 99-108). Pergamon.
44. Rhodes, R. A. W. (2017). *Network Governance*. Oxford: Oxford University Press.
DOI: [10.1093/acrefore/9780190228637.013.184]
45. Roberts-Holmes, G. (2015). The 'datafication' of early years' pedagogy: 'if the teaching is good, the data should be good and if there's bad teaching, there is bad data'. *Journal of education policy*, 30(3), 302-315.
46. Seger, Y. R. (2015). From pipettes to science policy. *Trends in immunology*, 36(11), 663-665.
47. Shapira-Lishchinsky, O. (2019). The implicit meaning of TIMSS: Exploring ethics in teachers' practice. *Teaching and Teacher Education*, 79, 188-197.
48. Shojaei, A. A., Mahbanooei, B., Farahani, A., & Pourezzat, A. A. (2023). Organizational Ethics Indicators in Iranian Hospital: An Importance-Performance Analysis. *Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research*, 28(5), 593-603.
49. Tandberg, D. (2016). The conditioning role of state higher education governance structures. *Journal of Higher Education*, 84(4), 506-543.
50. Tandberg, D. (2016). The conditioning role of state higher education governance structures. *Journal of Higher Education*, 84(4), 506-543.
51. Tindall, I. K., & Curtis, G. J. (2020). Negative emotionality predicts attitudes toward plagiarism. *Journal of Academic Ethics*, 18(1), 89-102.
52. Trakman, L. (2008). Modelling university governance. *Higher Education Quarterly*, 62(1-2), 63-83.
53. Trakman, L. (2008). Modelling university governance. *Higher Education Quarterly*, 62(1-2), 63-83.
54. Trakman, L. (2008). Modelling university governance. *Higher Education Quarterly*, 62(1-2), 63-83.
55. Trakman, L. (2008). Modelling university governance. *Higher Education Quarterly*, 62(1-2), 63-83.
56. Trevino, L. K. (1986). Ethical decision making in organizations: A person-situation interactionist model. *Academy of management Review*, 11(3), 601-617.
57. Treviño, L. K., Weaver, G. R., & Reynolds, S. J. (2006). Behavioral ethics in organizations: A review. *Journal of management*, 32(6), 951-990.

-
58. UNESCO. (2020). *E-Governance and Citizen Participation*. Paris: UNESCO.
ISBN: 978-92-3-100355-4
59. Weiss, T. G., & Wilkinson, R. (2019). *Global Governance Futures*. London: Routledge.
DOI: [10.4324/9780429429535]
60. Wissema, J. G. (2009). *Towards the third generation university: Managing the university in transition*. Edward Elgar Publishing.
61. World Bank. (1992). *Governance and Development*. Washington, DC: World Bank.
DOI: [10.1596/0-8213-2094-7]
62. Young, J. J., & Annisette, M. (2009). Cultivating imagination: Ethics, education and literature. *Critical Perspectives on Accounting*, 20(1), 93-109.
63. Zolfaghari, A. (2016). Review of Academic Dishonesty among College Students. *Rev. Eur. Stud.*, 8, 158.